



علامه طباطبایی در باب ادراکات اعتباری دارای نظام است/علامه تنها فیلسوفی است که در برخی موارد با ملاصدرا همآوردی کرد

یک استاد دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه بعد از ملاصدرا نتوانستیم نظام دیگری شکل بدهیم، گفت: در هر صورت باید باور کنیم در این دوره دستاوردهایی داشتیم که نمی توان به راحتی از کنار آنها گذشت. مرحوم سبزواری در باب معرفت شناسی و مرحوم علامه طباطبایی در باب اعتباریات، محصولی ایجاد کردند که باید بگوییم ابتکارات این دو فیلسوف بوده است.

یک استاد دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه بعد از ملاصدرا نتوانستیم نظام دیگری شکل بدهیم، گفت: در هر صورت باید باور کنیم در این دوره دستاوردهایی داشتیم که نمی توان به راحتی از کنار آنها گذشت. مرحوم سبزواری در باب معرفت شناسی و مرحوم علامه طباطبایی در باب اعتباریات، محصولی ایجاد کردند که باید بگوییم ابتکارات این دو فیلسوف بوده است.

دکتر قاسم پورحسن، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی درباره نظام سازی توسط فیلسوفان متأخر به خبرنگار مهر گفت: تنها فیلسوفی که پس از ملاصدرا توانست در برخی موارد با ملاصدرا همآوردی کند مرحوم سبزواری و علامه طباطبایی است، البته علامه طباطبایی جامع تر از مرحوم سبزواری عمل کرد و توانست در زمینه ادراکات اعتباری نظامی بسازد. هیچ فیلسوفی قبل از علامه طباطبایی به چنین نظامی دست پیدا نکرده بود. ادراکات اعتباری که با ساحت ها و روابط اجتماعی در پیوند است.

وی ادامه می دهد: برخی فلسفه shy& دان های متأخر به اشتباه معتقدند علامه طباطبایی ادراکات اعتباری را فقط در مقاله ششم اصول فلسفه مطرح کرد، در حالی که علامه طباطبایی آن را در 4 اثر مطرح کرده است، حتی پای آن را به جلد دوم تفسیر المیزان هم کشاند. علامه طباطبایی معتقد است جامعه ای که دارای اعتبارات کمتری باشد جامعه بدوی و جامعه ای که از اعتبارات بیشتری برخوردار باشد جامعه پیشرفته تری است. از همین رو دیدگاه علامه طباطبایی در جامعه شناسی معرفت نیز وارد و بسیار مهم بود. دستآورد علامه طباطبایی در باب ادراکات اعتباری فقط محدود به مباحث معرفت شناسی اخلاق نیست. اخلاق و معرفت شناسی فقط حوزه ای از بحث ادراکات را شامل می شد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که علامه در باب ادراکات اعتباری دارای نظام است.

این محقق و استاد دانشگاه با بیان اینکه فیلسوفان متأخر به پای فیلسوفان متقدم نمی رسند، گفت: ما هیچ فیلسوفی نداریم که بتواند با ابن سینا برابری کند. ابن سینا یگانه است حتی میرداماد که می گفت تنها ابن سینا می تواند با من برابری کند در اشتباه بود، حتی بسیاری از دستاوردهای ملاصدرا نیز بر دوش فلسفه ابن سینا سوار بود. بعد از ملاصدرا ما نتوانستیم آنچه از نظام انتظار می رفت را شکل بدهیم و به عبارتی نظام دیگری ایجاد کنیم، اما باید باور کنیم در این دوره دستاوردهایی داشتیم که نمی توان به راحتی از کنار آنها گذشت. مرحوم سبزواری در باب معرفت شناسی و مرحوم علامه طباطبایی در باب اعتباریات نظامی ایجاد کردند که باید بگوییم ابتکارات این دو فیلسوف بوده است.

وی ادامه داد: اعتقاد من بر این است که فیلسوفان متقدم هم نظام ساختند و هم درون آن نظام به تفکر پرداختند، اما فیلسوفان جدید ما نظام ندارند، پس از ملاصدرا فیلسوفی که بتواند یک سیستم یا نظامی را شکل بدهد، سراغ نداریم. نه به دلیل اینکه ملاصدرا بر اساس آن تفکری که در اندیشه پایان داریم توانسته بود به پایان فلسفه دست یابد یا به عبارتی تمامی امکانات فلسفه را تحقق بدهد، بلکه به این خاطر که فیلسوفی همانند ملاصدرا و ابن سینا نداشتیم، نتوانستیم دست به نظامی بزنیم و این یک نقص است.

پورحسن یادآور شد: در این مورد غرب جلوتر از ما حرکت کرد. غرب پس از دکارت و کانت توانست دست به نظام سازی بزند. این تفاوت فلسفه اسلامی با فلسفه غرب است که ما در 400 سال اخیر نتوانستیم نظام نیرومندی بسازیم اما متفکران فلسفه غرب توانستند.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی در پاسخ به این سوال که آیا نظام سازی موجبات نیرومندی، پویایی و زنده بودن یک تفکر فلسفی را فراهم می کند؟ گفت: هایدگر با نظام سازی مخالف اما هگل و کانت موافق آن بودند. اعتقاد من بر این است که دیدگاه متأخری که معتقد است نظام سازی هیچ رابطه ای با نیرومندی یک تفکر فلسفی ندارد، کاملاً صحیح است. پس دیدگاه علامه طباطبایی و فیلسوفان پس از ملاصدرا دارای اعتبار، قوه، توانایی، قابلیت و ظرفیت هستند هرچند این دیدگاه ها منتهی به نظام سازی نشود.